

Unit 1 book 3

بوجود آمدن

به وجود آمدن ، اتفاق افتادن است.

سختی ها با کامپیوتر او به وجود آمد زیرا قدیمی بود.

خیرخواه

خیرخواه کسی است که برای کمک به شخصی پول می دهد.

خیرخواه دانشجو به او پول داد تا در تحصیل خرج کند.

آهنگر

آهنگر به شخصی گفته می شود که از فلز چیزهایی میسازد.

آهنگر تکه فلز را کوبید تا صاف شود.

خیرخواه

وقتی شخصی خیرخواه است ، به افراد نیازمند کمک می کند.

خواهرم آنقدر خیرخواه بود که به من کمک کرد تا خانه اولم را بخرم.

دودکش

دودکش لوله ای بلندی است که برای انتقال دود از ساختمان استفاده می شود.

گربه روی پشت بام نشسته بود و کنار دودکش نشسته بود.

جبران کردن

جبران خسارت این است که به شخصی برای زمانی که برای انجام کاری سپری کرده پرداخت کنید.

رئیس وی برای کار اضافی که هفته گذشته انجام داد ، جبران خسارت کرد.

رویاری

اگر با چیزی روبرو شوید ، با آن ملاقات می کنید یا به آن نزدیک می شوید.

هنگام شنا با لاک پشت دریایی روبرو شدم.

فراتر رفتن

فراتر رفتن بیش از چیزی است.

از آنجا که از حد مجاز خود فراتر رفتم ، تصمیم گرفتم از شر کارت های اعتباری خود خلاص شوم.

جعل کردن

جعل کردن ساختن یا تولید کردن است ، مخصوصاً با سختی.

استیسی و هدر دوستی خود را در دوران نوجوانی برقرار کردند.

فروتن

افراد متواضع اعتقاد ندارند که بهتر از افراد دیگر هستند.

حتی اگر باب باهوش ترین پسر کلاس خود باشد ، فروتن است.

اهن

آهن فلزی محکم است که برای ساخت بسیاری از اشیاء استفاده می شود.

اسب کفش های آهنی داشت.

نردبان

نردبان جسمی است که برای بالا و پایین رفتن وسایل استفاده می شود.
برای بالا رفتن از بالای خانه درختی خود از نردبان استفاده کرد.

فروتن

اگر افراد متواضع باشند ، فکر نمی کنند که آنها بیش از حد مهم هستند.
درک بعنوان کسی که خیلی ثروتمند است بسیار متواضع است.

اشغال کردن

اشغال مکانی یعنی زندگی ، کار یا حضور در آنجا.
کوبین و آلیس صندلی ها را اشغال کردند و بحث طولانی داشتند.

پنی

پنی سکه ای به ارزش یک سنت است.
آبراهام لینکلن ، رئیس جمهور ایالات متحده روی پنی حک شده است.

موعظه

موعظه گفتن و ترویج یک ایده دینی است.
هارون اغلب درمورد داشتن یک زندگی صادقانه موعظه می کرد.

رونق

رونق ، موفق شدن یا کسب درآمد زیاد است.
تجارت جدید فرانک پس از سالها سخت کوشی بالاخره رونق گرفت.

استان

استان منطقه کوچکی است که توسط یک کشور کنترل می شود.
کانادا به چندین استان مختلف تقسیم شده است.

رضایت

رضایت احساسی است که هنگام انجام یا دریافت چیز خوب دریافت می کنید.
برد وقتی دید چه چیزی را برای شام وجود دارد پر از رضایت شد.

حفظ کردن

حفظ و نگهداری چیزی به معنای ادامه دادن آن است.
انرژی باد راهی پاک برای حفظ شهر با انرژی است.

نیک واقعی

در کریسمس ، کودکان منتظر می مانند سنت نیکلاس هدایا را از دودکش پایین بیاورند. اما این فقط یک داستان نیست.
نیکلاس مقدس یک شخص واقعی بود.

مدت ها پیش شخصی به نام مارکوس خانه ای را با خانواده اش اشغال کرد. او متواضع نبود. او همیشه به همه می گفت
قوی ترین مرد استان است.

او سخت کار کرد ، اما به سختی توانست خانواده اش را حفظ کند. او می خواست پس انداز کند و موفق شود. هنوز هم او

هرگز نتوانست یک پنی بیشتر از نیاز خود بدست آورد.

یک روز ، مارکوس با آهنگر توافق کرد. آهنگر کارهای زیادی برای انجام دادن داشت. اما خودش نمی توانست همه کارها را انجام دهد. مارکوس می خواست به او کمک کند تا آهن را جعل کند. آهنگر موافقت کرد که با هزینه زیاد غرامت او را جبران کند.

در همان شهر ، شخصی به نام نیکلاس وجود داشت. در سنین پایین ، نیکلاس شروع به تبلیغ کرد. اما او همچنین معتقد بود که باید متواضع و خیرخواه باشد. او آموخت که کمک به مردم حتی بیشتر از موعظه رضایت خاطر او را فراهم می کند.

یک روز ، نیکلاس با مارکوس روبرو شد. مارکوس در مورد توافق خود با آهنگر به نیکلاس گفت. مارکوس گفت: "من برای او سخت کار کردم ، اما مشکلی بوجود آمد. حتی اگر من برای او کار کردم ، او به من پول نداد."

نیکلاس می خواست به مارکوس کمک کند. آن شب ، او به خانه مارکوس بازگشت. او کیسه ای از طلا آورد. این مقدار بیش از مقدار مورد نیاز مارکوس بود. نیکلاس از نردبانی بالا رفت و کیسه طلا را به پایین دودکش انداخت. مارکوس از خیرخواه خود تشکر کرد.

به زودی ، مردم از هدیه نیکلاس مطلع شدند. او به خوبی شناخته شد و دوست داشتنی شد. امروزه نیز هنوز مردم به کودکان هدایای مخفی می دهند. و ما می گوییم آنها اهل سنت نیکلاس هستند